

نگاهی به چند نمایشگاه بر گزار شده در گالری‌های تهران

بودن دیگر است و شدن دیگر…*



◀ علی مطلب‌زاده

تجربه رویارویی با نوشته‌ای بر دیوار نمایشگاه یا همراه با کاتالوگی از آثار نمایشگاه همیشه خوشایند نیست. این نوشته‌ها که در مواردی نقش معرفی هنرمند را بر عهده می‌گیرند، در گریز از این شکل کلیشه‌ای به نوشته تقدمانندی از آثار حاضر تغییر شکل می‌دهند و با خارج شدن از چارچوب‌های مورد انتظار از آنها حتی به سمت تعیین جهت برای دیدن آثار هم حرکت می‌کنند. بخشی از این نوشته‌ها، خواسته یا ناخواسته و بدون در نظر گرفتن مخاطبی که قرار است با آثار مواجه شود، مجموعه نمایشگاهی را به دام کلماتی می‌کشانند که هنرمندشان در آثارش و با توجه به امکانات متفاوت بصری که در اختیار دارد، از آن گریخته است. هر چند چنین نوشته‌هایی به طور حتم با رضایت هنرمندی که صاحب این آثار است انتخاب شده یا سفارش داده می‌شود و به همین دلیل همیشه رویکردی مثبت نسبت به آثار پیش رو را دنبال می‌کند، اما حتی اگر چنین نباشد، هنرمند با انتخاب چنین رفتاری نسبت به آثارش نوعی دوگانگی را رقم می‌زند که در نهایت بر ضد آثار موجود عمل می‌کند. چنین نوشته‌هایی هر چقدر هم که ساده باشند یا در اختیار گذاشتن و تعریف کردن زاویه دید برای نگاه به آثار از لذت کشف و فهمی می‌کاهد که ایسن روژها می‌تواند به عنوان تنها نقطه قابل اتکا در بازدید از این نمایشگاه‌ها باشد. فرض بگیریم که هنرمند و آثارش نیاز به معرفی یا توضیح ندارند و اگر قرار بوده در قالب این آثار حرفی زده شود، همه اینها در آثار روی دیوار موجود است. با این حساب نه به حضور هنرمند در پای آثارش نیازی هست و نه به نوشته‌ای که بعدها و بعد از کم و زیاد کردن‌ها به این مجموعه نمایشگاهی اضافه شده است.

نمایشگاه نقاشی ایمان افسریان

در گالری اثر

اگرچه تصور رایج از نقاشی رئالیستی در ایران شیوه‌ای مابین نقاشی فوتورالیستی و منریستی است که با تکیه بر عناصر امروزی‌تر و در سایه نگاهی عکس‌گونه به موضوعات اطراف، همراه با گوشه‌چشمی به گذشته و تاریخ هنر، بر تئینکی را برمی‌گزیند که سال‌ها پیش با نمونه‌هایی قابل استناد حتی در نقاشی‌های ایرانی هم تجربه شده بود، اما آنچه از این تصور به جا می‌ماند عرضه می‌شود، به سهولت قابل بازگشت و تعمیم به جهان بیرونی نیست. از یک سو این نقاشی به دلیل خصلت‌های فوتورالیستی‌اش سعی در نمایش عینی از واقعیتی دارد که بیش روست و از طرفی به واسطه تلاش در جهت متفاوت‌سازی، پای در محدوده‌ای از نقاشی شیوه‌گرایی (از جنس ایرانی‌اش) می‌گذارد که قرار است تنها سایه به رخ کشیدن تکنیک‌هایش قابل بحث باشد. نقاش طی این روند ناخودگاه به سمت خلق اثری کشیده می‌شود بر آن اساس که مناسبات را با جهان بیرونی برقرار می‌کند و اگرچه هر آنچه به عنوان موضوع در اثر انتخاب شده، عنصری معمول و قابل تجربه است، اما در نهایت تنها قابل آرجاع به خود اثر است. چنین رئالیسمی یک فرآیند بیرونی نیست تا الزاماً خود را وارد جهانی کند که نتایج آن قابل بسط به هدف نقاشی‌های رئالیستی قلمداد شود و به دلیل درونی و ذهنی شدنش حتی در نقطه مقابل این گونه آثار هم قرار می‌گیرد و نهایتاً به تناقضی ختم می‌شود که در لایه‌های ابتدایی اثر خود را نشان می‌دهد. حتی شاید نوشتن و توضیح بیشتر این رئالیسم، بسط ادبی ایدeahش به جای آنکه به مدد آن بیاید راه را بر آن ببندد. شاید بتوان با چنین پیش‌زمینه‌ای به سراغ نقاشی‌های ایمان افسریان رفت و آنها را در همین دسته از نقاشی‌های واقع‌گرای ایرانی جای داد، چراکه با نگاهی ابتدایی به آثارش به راحتی می‌توان خصوصیات عمده را ذکر کرد که در بالا به آن اشاره شد. افسریان اگرچه به سراغ معمولی‌ترین عناصر موجود می‌رود و آنها را با همان شکل که هستند و بدون اغراق در آثارش به نمایش می‌گذارد، اما در نهایت جهانی به شدت ذهنی خلق می‌کند که برای بیننده آن تنها جایگاهی به عنوان ناظر تعریف شده است. این بیننده خواه‌ناخواه مقهور تکنیک اجرایی اثری خواهد شد که قرار بوده مقدم بر این تکنیک حرفی برای گفتن داشته باشد. هدف، ایراد گرفتن از شیوه نگاه ایمان افسریان به جهان اطرافش که سال‌هاست در قالب نقاشی‌هایش آن را نشان داده، نیست. آن هم نگاهی که با استناد بر آثاری که در آنها و برخلاف آنچه مرسوم شده، توجه به کیفیت و پرداختن به آن بر کمیت ترجیح داده می‌شود، یا اینکه قرار باشد در سایه چنین نگاهی در نهایت به رد چنین آثاری برسیم. از اتفاق آنچه این آثار را به حاشیه می‌راند نه این شیوه نگاه که روش پرداخت به آنهاست. این آثار به هر دلیل وارد جهانی شده‌اند که دیدن و تجربه آنها بسیار ساده است و به واسطه این سادگی به راحتی در



از آثار ایمان افسریان



از آثار شیمیا فریدنی

مثال زد. مجموعه این نمایشگاه آثاری است که همانند موضوع‌شان برای فهم و ارتباط با خود، توجهی کم و درگیری اندکی را طلب می‌کنند. تماشای این آثار همانند تماشای تلویزیون، جذابیتی فیزیکی در خود دارد و به این شکل هیچ گاه توجه به محتوای آنها در اولویت قرار نمی‌گیرد و در سایه سنگین همین جذابیت‌های ملموس، تفاوت چندانی را میان خود ایجاد نمی‌کند. این یکسانی، خصوصاً در آثاری که تلویزیون را به شکل فیزیکی در خود دارند، قابل مشاهده است. تکیه این آثار بر آگاهی دادن است و مسوولیتی بیشتر در قبال این آگاهی بر عهده نمی‌گیرند. ساده‌ترین نتیجه ممکن در مواجهه با این نمایشگاه، حس رفتاری است که آثار به واسطه خصوصیات‌شان با مخاطب خود دارند. این آثار با بیننده خودشان به منزله یک بیننده تلویزیونی رفتار می‌کنند و به این دلیل همان وظایفی را از انتظار دارند که می‌توان از تماشاگران تلویزیون انتظار داشت. مجموعه آثار این نمایشگاه بیشتر از آنکه به فهم و ارتباط جدی با اثر بیندیشند، تنها همراهی مخاطب را طلب می‌کنند و با همه این تفاسیر در نهایت شکلی از تاثیرگذاری (شاید غیرملموس) را در نظر می‌گیرند که هدف برنامه‌های تلویزیونی هم هست. انکار قرار است همانند برنامه‌های تلویزیونی مخاطب شکل هدفی را پیدا کند که به طور مداوم توسط آثار این نمایشگاه مورد هجوم قرار می‌گیرد. اما نقطه تفاوت این آثار با موضوع‌شان را هم می‌توان در همین موارد جست‌وجو کرد. برخلاف تلویزیون، محتوای پیام این آثار سطحی است و قرار است به شکل مقطعی عمل کنند. به بیانی دیگر قرار نیست در پی این آثار بلافاصله نیت صاحب اثر (فرستنده پیام) حس شود و در عوض آنچه مطرح است خواسته و درک بیننده پیام است. با این حساب برای صحبت از موفقیت آثار این نمایشگاه تنها می‌توان بر آثاری انگشت گذاشت که کارکرد سیاهی گذاشته شده که برخلاف تصور بیشتر از آنکه ارتباط واحدی میان آثار ایجاد کند، آنها را هم دور می‌کند و هر کدام از آنها را به عنوان اثری مستقل از دیگری نشان می‌دهد. چنین تجربه مستقلی از هر اثر تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که می‌توان آن را به عنوان نقطه قوت نقاشی‌های فریدنی در نظر گرفت.

نمایشگاه گروهی با عنوان «تلویزیون»

در گالری محسن

شاید به راحتی بتوان هر آنچه را که در این سال‌ها در مورد تلویزیون گفته شده به نمایشگاهی گروهی که با عنوان «تلویزیون» این به هم می‌رسد در نظر گرفت. این مجموعه دست‌کم اگر چنین تعمیم‌پذیری‌هایی در مورد کلیت این نمایشگاه ممکن نباشد، به سادگی در تک‌تک آثار نمونه‌ای مشابه را در بحث از تلویزیون



از آثار شیمیا فریدنی

سال پنجم ■ شماره ۱۱۷۰ ■ چهارشنبه ۶ بهمن ۱۳۸۹ ■ *نخستین*

■ افتتاح نمایشگاه «شیوا:۷۰» فردا در نگارخانه ایست

نمایشگاهی از آثار قباد شیوا- از سوم بهمن‌ماه- در نگارخانه «ایست» برپا می‌شود. در نمایشگاهی که از روز سوم بهمن در نگارخانه ایست و به مناسبت هفتادمین سالگرد تولد قباد شیوا، از پیشگسوتان هنر گرافیک ایران در گالری ایست برپا خواهد شد، آثار کوچکی از تصویرسازی داستان‌ها و مجلات، طراحی‌ها و پوسترهای این هنرمند به نمایش درخواهد آمد. این آثار مربوط به سال‌های قبل و بعد از انقلاب هستند و روایتی خواهند بود از ۷۰ سال فعالیت قباد شیوا در عرصه هنر گرافیک ایران. در این نمایشگاه نزدیک به ۳۰ اثر از این هنرمند عرضه خواهد شد و نیز آثاری از وی به صورت اسلایدشو به معرض نمایش درخواهد آمد. همچنین در روز افتتاحیه این نمایشگاه بزرگداشت و مراسمی برای تجلیل از این مرد کهن گرافیک ایران برپا خواهد شد که در این مراسم که روز یکشنبه سوم بهمن از ساعت ۱۶ تا ۲۱ برگزار می‌شود، دکتر علیرضا سمیع‌آذر، پرویز کلاشتری، محمدابراهیم جعفری، حمید سوری، جلال شباهنگی، هادی هزاوه‌ای در نشستی صمیمی و دوستانه در مورد شیوا صحبت خواهند کرد. این نمایشگاه از تاریخ ۳ تا ۱۲ بهمن‌ماه هم‌روزه از ساعت ۱۶ تا ۱۹ برای بازدید عموم دایر است. نگارخانه ایست در درکه، خیابان شهید احمدپور، نبش بن‌بست گلستان، پلاک ۲، زنگ دوم قرار دارد.

■ افتتاح نمایشگاه گروهی عکس «گل اوفتان»

نمایشگاه گروهی عکس با عنوان «گل اوفتان» شامگاه اول بهمن‌ماه سال جاری در گالری‌های بهار و نامی خانه هنرمندان ایران افتتاح شد. در این مجموعه عکس‌هایی از ابوالفضل نسائی، حمید گردان، حنیف شعاعی، علی جوراچی و روشن نوروزی به نمایش در آمد که همه آنها را «پیمان هوشمندزاده» انتخاب کرده بود. این نمایشگاه شامل ۲۸ عکس در ابعاد ۷۰×۱۰۰ سانتی‌متر و ۹ عکس در ابعاد ۷۰×۷۰- سانتی‌متر می‌شود. آیین «گل اوفتان» یا «گل‌مالان» یکی از آیین‌های سنتی و دیرینه شهر خرم‌آباد لرستان است. در این مراسم در صبح روز عاشورا، عزاداران در هیات‌ها حضور می‌یابند و کلاب و خاک غریال شده را مخلوط کرده و با گل‌مالی کردن خود، برای عزاداری آماده می‌شوند. مردم پس از گل‌اندود کردن خود در کنار آتش‌های برافروخته حضور می‌یابند و گل‌های سرد را خشک می‌کنند. با آغاز صبح عاشورا، شهر خرم‌آباد شاهد حضور دسته‌ها و عزاداران گل‌اندود شده‌ای است که به عزاداری مشغول هستند. عزاداران با لباس‌های گلی شده و بعضاً با پای برهنه در سوگ سیدالشهدا به عزاداری مشغول می‌شوند. این مراسم تا ظهر روز عاشورا ادامه دارد. این نمایشگاه تا هفتم بهمن از ساعت ۱۰ تا ۲۰ به نشانی خانه هنرمندان ایران، خیابان طالقانی، بعد از ایرانشهر، خیابان موسوی شمالی، باغ هنر ادامه دارد. این در حالی است که نمایشگاه عکس دیگری با همین عنوان در فرهنگسرای ارسباران افتتاح خواهد شد.

■ رونمایی نقاشی خط‌های «جلیل رسولی» بهمن‌ماه در تالار «همیز»

مجموعه نقاشی خط‌های «جلیل رسولی» از سال ۵۷ تاکنون در نگارخانه «همیز» خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید.

مجموعه تالارهای خانه هنرمندان ایران از ۱۲ تا ۳۰ بهمن‌ماه سال جاری میزبان آثار هفت هنرمند تجسمی در رشته‌های مختلف است. جلیل رسولی یکی از این هنرمندان است که در حوزه نقاشی خط، مجموعه‌ای از آثارش را از سال ۵۷ تاکنون در این نمایشگاه عرضه خواهد کرد. او احتمالاً بین ۲۵ تا ۳۰ تابلو در این نمایشگاه رونمایی خواهد کرد که البته تمام دوره‌های کاری او را در تمام این سال‌ها دربر نمی‌گیرد. رسولی همچنین درباره نمایشگاه افرادی که بیش از این وعده برپایی آن را داده بود، گفته است: «چندسال پیش به عنوان خادم قرآن انتخاب شدم و چهار سال است که به صورت شبانه‌روزی روی قرآن کار می‌کنم و در این شرایط حدود ۴۰ تابلو با تکنیکی نو و متفاوت آماده کرده‌ام که دوست داشتم در موزه هنرهای معاصر به نمایش دربیاید. کارهای این مجموعه آماده است و قرار است برای نمایش آن برنامه‌ریزی شود. این هنرمند خوشنویس پیش از این در یکی از نشست‌های خود بیان کرده بود: «عرب‌ها در دیوب و کویت از من خواسته‌اند در آنجا نمایشگاه بگذارم و حاضرند کارهایم را به هر قیمتی بخرند، اما تمام تلاشم بر این است که نمایشگاهی ابرومند در کشور خودم برگزار کنم و هیچ‌اصراری بر فروش آثارم ندارم.» این هنرمند نقاش همچنین اظهار کرده بود: «از شش‌سال پیش که مجموعه «باغ ملکوت» را کار کردم، دولت پیشنهاد برپاکردن موزه‌ای دائمی برای نمایش آثارم مطرح کرد و قرار بود این کارها را خریداری کنند، در حالی که در تمام این سال‌ها هر بار بابت عدم توجه خود عذرخواهی می‌کنند اما آثار آن مجموعه همچنان معطل این نمایشگاه است.» او در حال حاضر نیز مشغول آماده کردن کارهای تازه‌تری است که ترجیح داد در بهار موضوع آنها سخنی نگوید.

■ چهل چهره و آدمک دامن‌پوش در گالری شیرین

آرزو جعفریان: نمایشگاه عکس و چیدمان مریم فخمی و مهدی منصوری با عنوان «چهل تکه و آدمک دامن‌پوش» اول بهمن در گالری شیرین گشایش یافت، این نمایشگاه شامل ۱۶ عکس «دیل اکسپوز» و سه چیدمان است که هر کدام

نشانی از جهان‌بینی این هنرمندان به دنیای پیرامون خود دارد. مریم فخمی عضو انجمن ملی عکاسان ایران، عکس سلطنتی بریتانیا و جامعه هنر مکزاسی کاناداست که تاکنون در پنج نمایشگاه افرادی در ۱۶ نمایشگاه گروهی شرکت داشته است که این بار به همراه مهدی منصوری نمایشگاه مشترکی برگزار کرده‌اند.

این دو هنرمند در چاپ عکس‌ها از تکنیک دبل اکسپوز روی کاغذ استفاده کرده‌اند. این تکنیک کمک می‌کند عکس در یک لحظه خاص و در منظره خاصی با فکر فرد ترکیب شود و یک لحظه به خصوص را پدید آورد که دنبال کردن دو تصویر همزمان آن را بیان کرده‌ام. فخمی از افکار در ذهنش که کنار آن قاب‌های متفاوت عکس‌ها از نکات قابل توجه این آثار است که نشان از مفهوم چهل‌تکه بودن و تغییرات افکار انسانی دارد.

این دو هنرمند با نگاه مجزا و افکار متفاوت توانسته‌اند کار مشترکی ارائه دهند. مریم فخمی می‌گوید: روزی با فهمیدن تفاوت بین واقعیت و حقیقت یک جریان ذهنی برایم ایجاد شد که مرا به سمت جهت‌گیری‌های دیگری برد که امروز به این شکل آن را بیان کرده‌ام. فخمی با استفاده از افکار در ذهنش که کنار آن قاب‌های متفاوت نقش شده، زمان جنگ من در سن حساسی بودم و آن را از نزدیک تجربه کردم. بسته شدن مرزها به معنی بسته شدن همه چیز به روی ما محسوب می‌شد ولی با گذشت زمان و آمدن وسایل ارتباط جمعی و وجود صفحه تلویزیون ارتباط جهانی شکل گرفت و مرزها باز شد. من هرچه دارم از ایران است. دوست دارم هنرم را در کشورخودم عرضه کنم.در این نمایشگاه سه چیدمان به چشم می‌خورد که تکمیل‌کننده عکس‌ها و موضوع چهل تکه محسوب می‌شوند اما در کل استعاره به فلسفه سهروردی دارد که زمین آیینه آسمان است و هرکجا که رویم آسمان همین رنگ است در نتیجه زمین تغییر نمی‌کند و این افکار ماست که در حال تغییر است. این سه چیدمان شامل آدم‌هایی بی‌سر می‌شوند که با نخ‌هایی به بالا وصل‌اند. افکار این آدم‌ها در قالب این عکس‌ها به روی دیوار آویزان شده‌اند. در یکی از چیدمان‌ها آدمک رو به روشنایی و پشت به تاریکی دارد و با سنجاق‌قفل‌های آویزان‌شده به لباسش می‌خواهد افکار و شخصیت خود را وصل‌نماید بزنده کاری که ممکن است هر کدام ما انجام دهیم. این آدمک بی‌سر به چهل‌تکه پشت کرده است و گذشته را ترک کرده و رو به آینده نشسته است و دیگری به ارتباطات جهانی اشاره دارد که حتی می‌توان از روی تختخواب با وسایلی چون تلفن و اینترنت با آن سر دنیا ارتباط برقرار کرد و سومین چیدمان شامل پایی بدون بدن و سر است که در بالای آن آیینه‌ای قرار دارد و هر کس رویه‌روی آن قرار گیرد، خود را در آن می‌بیند. مهدی منصوری عضو انجمن عکاسان ایران است و تاکنون سه نمایشگاه گروهی و یک نمایشگاه انفرادی داشته است. او با اشاره به سفرهایی که در این یک سال به شمال و جنوب و کویر داشته است، می‌گوید: من سعی کردم در پوزیشن‌های مختلف از فیگور عکس بگیرم و آن را با حس فرد در آن لحظه منطبق کنم که ماحصل آن این عکس‌ها را تشکیل دهد. او اضافه می‌کند با بازی با شاتل، رزم کردن، ایجاد پرسپکتیو و بازی با سایه‌ها در فضای باز و آتیه‌ای این عکس‌ها را ثبت کرده است.این نمایشگاه تا شش‌شنبه ۱۲ بهمن (به جز ۸، ۹، ۱۰ که گالری تعطیل است) از ساعت ۱۱ صبح تا ۸ شب برقرار خواهد بود و علاقه‌مندان می‌توانند از آن بازدید کنند.

گالری شیرین واقع در بلوار اندرزگو، خیابان سلیمی، باغ اچمن خوشنویسان است.